

روزنامه فرهنگ و هنر

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی
گرافیک و صفحه آرا: سعید غفوری

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی خراسان
توزیع: نشر گستر امروز

گفت و گوی
صبا با
مسعود کوثری درباره
تأثیر رضا امیرخانی
بر ادبیات معاصر
ایران؛



نویسندگانی که ادبیات معاصر ایران را بازنگاری کرد

همین بینش اوست؛ نگاهی که به او اجازه می‌دهد تصویر بزرگ‌تری از جامعه داشته باشد و تجربیات خود را با خوانندگان به اشتراک بگذارد.

برخی مخاطبان، به ویژه در حوزه هنر و ادبیات، هنرمندان را دسته‌بندی می‌کنند و می‌گویند «این هنرمند حکومتی است یا غیرحکومتی». با توجه به اینکه این نوع ارزیابی‌ها ممکن است درباره رضا امیرخانی نیز مطرح شود، شما این پدیده را چگونه تحلیل می‌کنید؟

امیرخانی و بسیاری از نویسندگان نسل پس از انقلاب همواره با این چالش مواجه بوده‌اند. از یک سو از انقلاب و اهداف آن دفاع کرده‌اند و از سوی دیگر، نقدهای جدی نسبت به روندهای موجود در جامعه مطرح کرده‌اند. در آثار امیرخانی، هر دو بعد دیده می‌شود و او توانسته به استقلال فکری برسد و با ارزیابی دقیق، تحلیل‌های روشنی ارائه دهد. ریشه بسیاری از مسائل اجتماعی و اقتصادی که او در آثارش به آن‌ها پرداخته، ادامه همان ساختارهای اقتصادی است که از دوران پهلوی به ارث رسیده است؛ مسائلی مانند وابستگی به نفت، آسیب دیدن کارگاه‌ها و ساختارهای اقتصادی، تمایل به کارمند بودن، بهره‌گیری از رانت‌ها و ضعف خلاقیت اجتماعی. امیرخانی با نگاهی جامعه‌شناسانه، این روندها را تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که جامعه ایران هنوز نتوانسته به جامعه‌ای خلاق و پویا تبدیل شود.

به نظر می‌رسد آثار ایشان علاوه بر سرگرمی، جنبه‌ای از تاریخ‌نگاری و مستندسازی نیز دارند و جهان‌بینی متفاوتی ارائه می‌دهند.

آثار امیرخانی، همزمان سرگرم‌کننده و آموزنده هستند و با ترکیب داستان، تحلیل و مستندسازی، پیوستار جامعه ایران را به تصویر می‌کشند. او به این بینش خاص دست یافته و از این نظر یکی از نویسندگان برجسته و شایسته توجه در ادبیات معاصر ایران است. قطعاً همه ما امیدواریم که ایشان بهبود یابند و دوباره به نوشتن بازگردند. این سانحه می‌تواند زنگاری برای مخاطبان باشد تا به آثار ارزشمند نویسندگان معاصر ایران توجه بیشتری داشته باشند. اگر کسی بخواهد از آثار امیرخانی شروع به خواندن کند، به نظر من کتاب «قیدار» گزینه خوبی است. همچنین «بی‌وطن» و «نشست نشا» نیز برای درک سبک و جهان‌بینی او توصیه می‌شوند آثاری که می‌توانند نقطه شروع و مناسبی برای مطالعه آثار این نویسنده باشند.

رضا امیرخانی، نویسنده برجسته معاصر ایران، که در طول دوران فعالیت خود بارها نامزد و برنده جایزه جلال بوده است، روز یکشنبه در جریان پرواز با پاراگلایدر دچار سانحه شد و هم‌اکنون در بخش مراقبت‌های ویژه بستری است. این نویسنده و منتقد برجسته ایرانی، آثار متنوعی در قالب رمان، داستانک، سفرنامه و مقالات تحلیلی و اجتماعی منتشر کرده است. آثار او به زبان‌های روسی، اندونزیایی، عربی، اردو و ترکی استانبولی نیز ترجمه شده‌اند و مخاطبان گسترده‌ای در ایران و خارج از کشور دارند. امیرخانی تحصیلات مهندسی مکانیک خود را در دانشگاه صنعتی شریف به پایان رساند و پیش از بیست سالگی موفق به اخذ گواهینامه خلبانی شد و به عنوان جوان‌ترین خلبان ایرانی شناخته شد. سبک منحصر به فرد امیرخانی، ترکیبی از داستان‌سرایی، جستارنگاری و تحلیل اجتماعی است که او را به یکی از نویسندگان تأثیرگذار معاصر ایران تبدیل کرده است. گفت‌وگوی پیش رو با مسعود کوثری، جامعه‌شناس، پژوهشگر و منتقد ادبی، به بررسی تأثیر قلم رضا امیرخانی بر ادبیات ایران، نگاه جامعه‌شناسانه او و نحوه مواجهه‌اش با مسائل اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد. مسعود کوثری، سرپرست گروه ارتباطات اجتماعی در دانشکده علوم اجتماعی و دبیر علمی هفدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، یکی از مرجع‌های تحلیل ادبی و اجتماعی معاصر ایران است.

سمیه خاتونی
گفت‌وگو

نیست، بلکه بیشتر به سبک نویسندگان نسل پیشین مانند جلال آل احمد نزدیک است؛ سبکی که مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را تحلیل می‌کند و گاه از قالب رمان سنتی عبور می‌کند. برخی آثار او، مانند «قیدار»، از نظر سبک و ساختار نوشتاری کاملاً متمایز و قابل توجه هستند. تأثیر امیرخانی بر نسل جوان قابل توجه است؛ تحلیل‌های او از جامعه ایران و شرایط جهانی مورد توجه مخاطبان متنوع قرار گرفته است. به همین دلیل چندین بار از او دعوت شد تا در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران با دانشجویان به گفت‌وگو بنشیند و این ارتباط با روی باز برقرار شد.

سانحه اخیر ایشان به نوعی نمادی از روحیه متفاوت و جسورانه ایشان نیز هست؛ پرواز با پاراگلایدر، آن هم وقتی نویسنده هستی! شاید نماد نگاهی فراگیر به جامعه و جهان باشد؟

دقیقاً؛ جسارت و کنجکاوی امیرخانی باعث شده که از قالب‌های بسته و محدود بیرون بیاید و نگاه مستقلی نسبت به مسائل اجتماعی پیدا کند. او همواره سعی کرده از چارچوب‌های رسمی و وابستگی به نهادهای دولتی فاصله بگیرد و با دیدی انتقادی به سیاست‌ها و روندهای فرهنگی نگاه کند. نگاه از بالا، چه به صورت استعاری و چه از طریق فعالیت‌هایی مانند پاراگلایدرسواری، نماد

نظر شما درباره جایگاه آثار رضا امیرخانی و تأثیر قلم او بر ادبیات معاصر ایران چیست و نقششان در شکل دهی به ادبیات امروز چگونه بوده است؟

رضا امیرخانی یکی از نویسندگان برجسته نسل جوان پس از انقلاب است که می‌توان او را به نوعی «نویسنده جامعه‌شناس» نامید؛ نویسنده‌ای که درک عمیقی از جامعه دارد و توانسته این درک را در آثار خود به شکل تحلیلی و روایت‌گونه به خواننده منتقل کند. تجربه‌های او از زندگی مهاجران ایرانی در آمریکا، سفر به افغانستان، هند و دیگر مناطق، نشان‌دهنده علاقه و حساسیت او به ظرایف جامعه‌شناسی است. از نظر سبک نگارش، امیرخانی در آثارش به نوعی «رساله‌نویسی» یا جستارنگاری پرداخته است؛ سبکی که هم به تحلیل دقیق جامعه توجه دارد و هم زبانی ساده و روان دارد. این سبک را می‌توان در سنت ادبی جلال آل احمد دید، اما امیرخانی آن را به شیوه خود توسعه داده و تبدیل به امضای شخصی خود کرده است. آثار او مانند «نشست نشا»، «بی‌وطن» و «نمونه‌هایی از این سبک هستند و نشان می‌دهند که او توانسته با ترکیب روایت و تحلیل، نویسنده‌ای تأثیرگذار در ادبیات معاصر ایران باشد.

پس علاوه بر رمان‌نویسی در حوزه جستار نیز فعالیت دارند؟
جستار در آثار او، به مفهوم دانشگاهی



دوشنبه‌ها از پلتفرم شیدا

SHEYDA.COM
پلتفرم پخش فیلم و سریال